

ماهیت نفقه زن در اسلام

محمد رضا اسداللهی ، دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلام

چکیده

در دوران ماقبل از تاریخ ، رواج مادر سالاری ، نفقه زن معنی نداشت بلکه زن صاحب اصلی خانواده و فرزندان بود ، اما با رواج پدر سالاری ، نیاز زن به امکانات مناسب برای زندگی و نیازهای فردی او بیشتر شد که این نیازها توسط خود زن و نیز توسط مرد و یاهر دو ، برآورده می شد . با ظهور ادیان الهی و بالاخص اسلام برای تشدید پایه های خانواده ، ریاست این گروه بر عهده مرد نهاده شد و قانونگذار او را موظف به تامین معاش خانواده نمود. پس این ریشه شرعی دارد، نه قراردادی ، ماده ۱۱۰۶ ق.م. به این مساله اشاره دارد.

بررسی فقهی و حقوقی نفقه زن ، ماهیت دلایل قرار دادن نفقه بر عهده مرد، ضمانت اجرای نفقه زوجه و حق مالکیت زن نسبت به نفقه ، از جمله اموری است که از لحاظ فقهی و حقوقی و اجتماعی حائز اهمیت فراوان می باشد. از این رو در این مقاله به روش مرور ، به منابع معتبر کتابخانه ای به آنها پرداخته خواهد شد . بدون شک حاصل این کار پژوهشی ، برخی از شبهات در این عنوان پر کاربرد را برطرف خواهد کرد .

راستی نفقه چیست؟ و چرا علی رغم بهره مندی زن و شوهر از مواهب زندگی مشترک مرد باید هزینه سنگین مالی امر ازدواج را بر دوش گرفته و بپردازد؟

تعهد مرد نسبت به پرداخت آن چه پیامدهایی دارد؟

و همچنین عدم توجه مرد به این موضوع و عدم اجرای این تعهد چه پیامدهای بدنبال خواهد داشت؟

کلید واژه: نفقه، ماهیت، نشوز، تمکین

مقدمه :

ماهیت نفقه

نفق: مصرف و بخشش و هزینه زندگی و نفقه اسم مصدر که مصدرش نفوق و جمع آن نفقات می باشد به معنای صرف کردن و خرج کرده است. (نگاه کنید به : لسان العرب ، منتهی العرب ، معجم مقاییس اللغة ، زیر واژه نفقه .)

مشتقات نفقه که در قرآن بکار رفته است:

انفق: سه بار انفقهم: ۴ بار انفقوا: ۱۱ بار تنفقوا: ۹ بار تنفقون: ۲ بار
ینفق: ۷ بار ینفقون: ۲۰ بار ینفقونها: ۲ بار انفقوا: ۹ بار نفقه: ۲ بار

(المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم / ۸۲۷ و ۸۲۸)

از لحاظ اصطلاحی :

از نظر فقهی و حقوقی ، انفاق عبارت از صرف هزینه خوراک ، پوشاک ، مسکن و اثاث البیت به قدر حاجت و توانایی انفاق کننده

(جعفری لنگرودی ، ترمینولوژی حقوقی ص ۷۱۸ شماره ۸۷۷۲)

بنابراین نفقه ، در اصطلاح حقوق ، تامین ضروریات همسر و اقارب واجب النفقه است.

پیشینه تحقیق:

استاد شهید مطهری می نویسد ، دوران وجود مهریه را می توان به پنج دوره تقسیم نمود که عبارتند از :

۱. دوران مادر سالاری (ما قبل از تاریخ) به دلیل رواج رسم مادر سالاری ، فرزندان حاصل از ازدواجهای برون قبیلگی ، به مادر منتسب می شدند ، در این دوران مهریه‌های وجود نداشت .
۲. دوران پدر سالاری ، پس از آنکه مرد به نقش خود در خانواده آگاه شد و خود را صاحب اصلی فرزندان شناخت ، زن را تابع خود ساخت و در نتیجه دوران پدر سالاری آغاز شد .
۳. در این دوره کم کم ربودن دختران قبائل دیگر منسوخ شد و بجای آن ، مرد اجیر پدر زن خود می شد و همسر خود را در ازاء خدمت به پدر زن خود بدست می آورد.
۴. در این دوره مرد بجای کار نزد پدر زن خود، هدیه ای را تقدیم پدر زن می کرد.
۵. دوران اسلام ، مرد هنگام ازدواج هدایایی را، پیشکش زن خود می کند. در این دوران زن استقلال مالی خود را حفظ می کند و بخواست خود، شوهر را برمی گزیند و تا زمانی که به خانه شوهر نرفته است ، کسی حق ندارد او را به خدمت خود درآورد و محصول کار او به خودش تعلق دارد .

(مطهری ، نظام حقوق زن در اسلام / ۲۲۷ و ۲۲۸) .

که می توان از باب وحدت ملاک ، پیشینه مهریه و نفقه را یکی دانست. وجود مهر و نفقه برای زن لازم است و پیدایش آنها بخاطر تدبیر ماهرانه آفرینش می باشد که کارکرد آن ، تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها است.

مهر و نفقه از آنجا پیدا شد که در متن خلقت، نقش هر یک از زن و مرد در مساله عشق مغایر دیگری می باشد. نوع احساسات زن و مرد نسبت به یکدیگر یکجور نیست. قانون خلقت ، جمال، غرور، بی نیازی را در جانب زن و نیازمندی و طلب و عشق و تغزل را در جانب مرد قرار داده است. ضعف زن در مقابل نیرومندی بدنی به همین وسیله تعدیل شده است.

انواع نفقه:

نفقه بطور کلی به سه دسته تقسیم می شود:

۱. نفقه زوجات (*Expense wives*)
۲. نفقه اقارب (*Expense relatives*)
۳. نفقه مملوک (*Expense owned*)

بخاطر گستردگی مطالب ، پرداختن به تمامی انواع نفقه در حد وسع این مقاله نیست بلکه هدف ما را در این مقاله بررسی دقیق نفقه زن در اسلام می باشد.

نفقه همسر (Expense wife)

تمامی فرقه های اسلامی بر وجوب نفقه زن ، با شرایط آن اتفاق دارند. (الفقه علی المذاهب الخمسه / ۳۸۴)

قانونگذار هم در ماده ۱۱۰۵ ق. م ریاست خانواده را از خصائص شوهر دانسته که در راستای این امتیاز، در ماده بعد تکلیفی بر دوش او نهاده است و شوهر را موظف به پرداخت نفقه زوجه در عقد دائم نموده است ، طبق این ماده زن می تواند از شوهر مطالبه نفقه کند و در صورت لزوم از طریق مدنی و کیفری او را برای پرداخت نفقه تحت تعقیب قرار دهد. زن هر چند دارای ثروت هنگفتی باشد ، هیچگونه مسئولیتی در تامین مخارج خانواده و شوهر ندارد .

سوال: آیا در دنیای معاصر که زنان به دلیل اشتغال ، بعضاً از شوهر بی نیازند ، باز هم پرداخت نفقه بر عهده شوهر است ؟

پاسخ مثبت است، زیرا اولاً عصر مدرن نمی تواند طبیعت مرد و زن را تغییر دهد. مرد در دنیای مدرن هم هنوز مظهر نیاز و احتیاج و زن مظهر بی نیازی است. اسلام مرد را خریدار و زن را صاحب کالا می شناسد. نیاز روحی مرد به زن باعث می شود که پول خود را به زن خود بدهد. ثانیاً: مسئولیتی که زن در تولید نسل دارد که شامل سنگینی دوره بارداری، بیماری مخصوص این دوره ،سختی زایمان ،شیر دادن به کودک و پرستاری از آن می باشد.

ثالثاً: نیاز بیشتر زن ،به دارائی نسبت به مرد می باشد.تجمل و زینت جز و زندگی زن و از احتیاجات اولیه او می باشد آنچه یک زن در زندگی معمولی خود خرج خود ، آرائی می کند برابر با مخارج چندین مرد است .

رابعاً: نیروی کار زن کمتر از مرد است و اگر مرد به یاری زن نپردازد زن از تامین مخارج خود ناتوان خواهد بود.

خامساً: بقاء زیبایی و نشاط زن مستلزم آسایش بیشتر است و اگر زن مجبور به کار کردن مانند مرد باشد، غرورش در هم می شکند و زیباییهایش از بین می رود.

(مطهری همان / ۲۶۴ و ۲۶۵)

مفهوم نفقه زن :

مقدار نفقه زن از دیدگاه مذاهب پنجگانه اسلامی

تمامی فرقه های اسلامی اتفاق دارند که نفقه سه گانه: غذا، لباس، مسکن بر مرد واجب است و همچنین مقدار نفقه، اگر هر دو متمول یا فقیر باشند ، ملاک زن می باشد .

اختلاف در این است که اگر یکی متمول و دیگری فقیر باشد ملاک کدام می باشد؟

مالکيه و حنابله ، اگر از لحاظ غنی و فقیر بودن متفاوت باشند، حدوسط آن دو گرفته می شود. شافعیه: ملاک حال مرد است چه فقیر باشد چه غنی، این در غذا و پوشاک می باشد. اما مسکن، باید شایسته زن باشد بطور معمول. (الباجوری ج ۲/۱۹۷ طبعه ۱۳۴۲ هـ)

حنفیه: درباره نفقه دو قول دارد: اول اینکه حال مرد ملاک می باشد. دوم اینکه حال زن ملاک می باشد. اکثر فقها امامیه؛ ملاک نفقه زن، هر چه زن به آن نیاز دارد: از غذا و لباس و مسکن و خدمتکار و ... متناسب با عرف ابزار روغن مالی متابعت از امثال او در سرزمین می باشد. (همان ۳۹۲/)

دلیل ، آیه شریفه قرآن قرآن «و لینفق دوسعه من سعته و من قدر علیه رزقه مما آتاه الله لا یكلف الله نفساً الا ما آتاهاه اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم. » (طلاق ۶۵)

ماده ۲۵ قانون مصر سال ۱۹۲۰ هم حال مردان را ملاک قرار داد است آنجا که می گوید « نفقه زن بر حسب حال مرد تعیین می شود چه متمول باشد چه فقیر. (همان / ۳۹۲)

از مطالب بالا مشخص می شود که در مورد خدمتکار و آلات زینت و مزد خیاطی و غیره باید هر دو امر مراعات گردد اول حال مرد ، دوم حال امثال زن پس اگر زن؛ بیشتر از معمول همترازهایش بخواهد، بر شوهر لازم نیست اجابت کند چه متمول باشد و چه فقیر، اما اگر طبق معمول همشانهای خود بخواهد، بر شوهر واجب است که اگر متمول باشد بپردازد و اگر فقیر باشد لازم نیست. (همان/۳۹۲)

بررسی حقوقی مفهوم نفقه

ماده ۱۱۰۷ ق.م نفقه زن اینگونه تعریف کرده است «نفقه عبارت است از ، « مسکن، البسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت به داشتن خادم یا احتیاج بواسطه مرض یا نقصان عضو»

یادآوری چند نکته در این خصوص شایسته است. « مطلب اول»:

آیا زن ، خود می تواند کار کند و از شوهر مزد طلب نماید؟ پاسخ منفی است ؛ زیرا اگر زن محتاج به خادم باشد مرد مکلف به تامین است ولی اگر زوج خود بتواند از عهده کار خود برآید دیگر نیازی به خادم ندارد.

آیا این مسئله با قانون اجره المثل تبصره ۶ بند الف و ب قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۷۱/۸/۲۸ تعارض دارد یا خیر ؟ زیرا هر گاه زن بتواند بجای خادم کار کند چگونه می توان اجره المثل را به او اختصاص داد؟

پاسخ منفی است . تعارض دیده نمی شود ؛ زیرا مطابق قانون اجره المثل، زن از آنجا که تکلیفی در برابر کار در منزل ندارد می تواند بابت این کار که جهت رفاه زوجه و فرزندانش انجام می دهد اجره المثل بخواهد. بند الف تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات طلاق این اجرت را حق زن می داند و حتی سوء رفتار و سوء اخلاق زن را مانع از درخواست چنین حقی ندانسته است و به هر حال دادگاه مکلف است برای چنین زنی در هنگام درخواست طلاق از جانب زوج، با ارجاع به نظر کارشناس، اجره المثل تعیین کند.

مطلب دوم: قانون در وجوب خادم استطاعت مالی شوهر را مورد توجه قرار نداده است. در صورتیکه باید گفت در غیر مورد بیماری که وجوب خادم را بر دارد، واجب گرداندن استخدام خادم برای زوجه ای که در منزل پدری عادت به خادم داشته است، تا حدی دور از ذهن است. از آنجا که زوجه هنگام انتخاب زوج با توجه به وضعیت و شرایط مالی وی و آگاهی از آن، پاسخ مثبت به درخواست ازدواج می دهد و راضی به تشریک مساعی با او در ساختن زندگی نوینی می گردد، خود را آماده برای تطبیق با وضعیت اقتصادی شوهر می نماید و از طرفی با عنایت به اینکه زوجین باید در زندگی مشترک، در استحکام مبانی خانواده سعی و تلاش نمایند، لذا تصور اینکه زوج فقیری را ملزم به استخدام خادم جهت زوجه نمائیم، دور از انصاف و منافی با مصالح و روابط عاطفی و اخلاقی خانواده می باشد. همین اجزای ضمانتهای اجرای نفقه زن، مخصوصاً ضمانت اجرای کیفی ان علیه شوهری که از جهت عدم تمکین و استطاعت مالی قادر به تهیه خادم برای همسرش نمی باشد و همسرش نه از جهت نیاز به پرستاری و مراقبت، بلکه از جهت شان و موقعیت اجتماعی نیازمند خادم است. با عدالت و انصاف قضایی چندان مناسب نیست؛ زیرا این مورد با سایر نیازمندیهای زوجه متفاوت و در درجه نیاز با آنها یکسان نیست (فرشتیان، نفقه زوجه در حقوق ایران / ۷۴)

مطلب سوم

آیا نفقه زن محصور در موارد ذکر شده در ماده ۱۱۰۷ می باشد؟

پاسخ منفی است. بلکه اقلام مذکور در این ماده، جنبه تمثیلی داشته و با توجه به تغییرات و تحولاتی که در زندگی شان، بویژه در نیازهای اوبه وقوع می پیوندد، نمی توان فقط صرفاً به موارد ذکر شده در این ماده اکتفا نمود به قول یکی از حقوق دانان « آنچه اهمیت دارد این است که شوهر باید بعنوان سرپرست خانواده تامین معاش زن و فرزندانش را عهده دار شود. تحول شیوه زندگی هر روز نیازهای تازه بوجود می آورد» (کا توزیان، حقوق مدنی خانواده ج ۱ / ۱۸۷).

همچنین حکیم می گوید: (این نیازها را نمی توان در چارچوب معینی محصور کرد و ناچار باید داوری را برعهده عرف گذارد) (حکیم، منهاج الصالحین ج ۲ / ۱۹۹) همچنین علماء بزرگی مانند صاحب جواهر و صاحب مسالک رجوع به عرف را برای تعیین نفقه مرجع می دانند. همچنین محقق داماد نیز نفقه را به ۸ دسته طبقه بندی نموده: از جمله نان و خورش، لباس، فراش وسایل طبخ و وسایل نظیف و آرایشی، مسکن و خدمتکار، اما در انتها تذکر می دهد که نفقه به امور هشتگانه فوق اختصاص ندارد.

(محقق داماد، حقوق خانواده / ۲۹۰-۲۹۱)

با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی و ایجاد نیازهای جدید برای نوع بشر، نفقه زن هم تغییر خواهد کرد. پس با توجه به مطالب بالا می توان نفقه را این چنین تعریف نمود «کلیه لوازم و وسایل که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است و تشخیص اینکه کدام وسیله را باید جزء نفقه شمرد ملاک و معیار ثابتی ندارد و داوری با عرف می باشد.»

مطلب چهارم

مطلب دیگری که از ماده ۱۱۰۷ ق.م.فهمیده می شود این است که وضعیت و احتیاجات زن بطور متعارف ملاک ارزیابی می باشد نه وضعیت مرد، پس اگر زن از خانواده متمکنی و متمولی بوده باشد، اولاً شوهر باید الزاماً وسایل زندگی او را آنچنان که شایسته شان و وضع اجتماعی و خانوادگی اوست فراهم آورد و ثانیاً زن براین فرض، یعنی متمول بوده، هیچگونه مسئولیتی درباره نفقه شوهر و دیگر افراد خانواده ندارد.

آیا دارو و درمان جز نفقه می باشد؟

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه به نقل از ابوحنیفه آمده که دارو و میوه بر مرد واجب نیست. محقق قمی می فرماید ظاهراً منظور این است که قیمت دارو، بر زوج لازم نیست و این داخل نفقه نیست و همچنین اجرت حمام و حجام، مگر اینکه هوا سرد باشد و برای غسل محتاج به حمام باشد (محقق قمی جامع الشتات ج ۴/۴۸۸).

صاحب جواهر می فرماید، « داروی بیماری، بر مرد واجب نیست و نه اجرت حجامت و نه حمام مگر با سردی هوا» (نجفی، جواهر الکلام ج ۱۱ / ۲۱۶)

امام خمینی (ره) می فرماید « ظاهراً اجرت حمام در وقت احتیاج از انفاق است که زن استحقاق دارد، چه برای غسل باشد یا برای نظافت در صورتی که شهر او از جاهائی است که شستن و غسل کردن در خانه متعارف نیست یا متعذر می باشد برای سرما و غیر آن و همچنین داخل نفقه است ادویه ای که متعارف است و به سبب بیماریها و دردهائی مثل سرماخوردگی که شخص معمولاً در طول سال، زیاد به آن مبتلا می شود، جز نفقه می باشد. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله ج ۳/۵۶۵)

به هر حال شرع، نفقه زن را بر مرد واجب نموده ولی مقدارش را معین نکرده است، پس سکوت شارع نشانه این است که ما می توانیم در این مسئله به عرف مراجعه کنیم و به وجوب هیچ چیزی بر مرد حکم نمی کنیم مگر بعد از اینکه مطمئن شویم که عرف آن را نفقه می داند و هیچ شکی وجود ندارد که اهل عرف مردی که متمول است، ولی در درمان زن و فرزندان بیمارش اهمال و سستی می کند مورد مذمت قرار می دهد همانطوریکه اگر پدر درباره فرزندان مریضش اهمال نماید با وجود استطاعت بر خریدارو و اجرت پزشک او سرزنش می نماید. (مغینه، الفقه علی المذاهب الخمسه / ۳۹۳)

اما با توجه به مطالب فوق، نظر فقهاء امامیه درباره هزینه حمام و معالجه این است که با توجه به اینکه رفتن به خارج از خانه شاید جنبه تشریفاتی و تجملاتی داشته باشد، تنها در صورتی می توان آن را جزء مصادیق نفقه دانست که به سبب سردی هوا یا مسائل دیگر نتوان حمام کرد. در مورد دارو هم، هرگاه بیماری ساده باشد که انسان به وفور به آن مبتلا می گردد مثل سرما خوردگی جزء نفقه محسوب می گردد. ولی اگر هزینه معالجه، جراحی یا بیماریهای خاص باشد و مخصوصاً اگر هزینه آن هم بالا باشد، فرد را نمی توان ملزم به تامین آن دانست

مسکن زن

امامیه ، حنفیه، حنابله ، بر این باورند که ، مسکن زن باید لایق و شایسته هر دوی آنها باشد و کسی از خانواده مرد همچنین فرزندش و غیر آنها در آن ساکن نباشد مگر با رضایت زن. مالکیه ، اعتقاد دارد که ، اگر زن پست و فرومایه باشد نمی تواند از زندگی با خانواده مرد امتناع ورزد ولی اگر شریف و بزرگوار باشد می تواند از زندگی با آنها امتناع ورزد ، مگر اینکه در عقد شرط کند که در این صورت لازم است در منزل و خانواده مرد زندگی کند ، به شرط اینکه اتاق مخصوص خود داشته باشد .

شافعیه ، بر این باور است که ، مسکن باید شایسته حال زن باشد نه مرد نگارنده : باید حال مرد در تمامی مواردیکه نیاز به نفقه دارد در نظر گرفته شود و فرقی بین غذا و لباس و مسکن وجود ندارد . بدلیل گفتار خداوند متعالی که می فرماید (واسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم ، طلاق / ۶۵) به شرط اینکه مسکن زن مستقل باشد و بخاطر وجود خانواده مرد به زن ضرری نرسد . (همان / ۳۹۴) در قانون مدنی هم در ماده ۱۱۰۷ که در تعریف نفقه زن می باشد مسکن و هزینه های درمانی و بهداشتی را جزء نفقه زن شمرده و مرد را ملزم به پرداخت آنها نموده است.

زن کارمند

حنفیه ، اگر زن کارمند باشد و در خانه نباشد اگر مرد از او بخواهد که از خانه بیرون نرود و توجه نکند نفقه ندارد . علاوه بر این بقیه مذاهب متفقند که زن نباید از خانه شوهر بیرون رود مگر با اجازه او و شافعیه و حنابله می گوید : (اگر زن به اجازه شوهر برای نیاز خودش بیرون رود نفقه ندارد و شاید نظر بهتر این باشد که بین اینکه مرد در زمان عقد بداند که او کارمند است و کارش را بر خانه نشینی ترجیح می دهد و بین اینکه مرد جاهل به آن باشد. اگر مرد بداند که کارمند است و سکوت کند و با او شرط نکند که کارش را رها نماید پس حالا نمی تواند از او بخواهد که کارش را ترک نماید و اگر مرد از او بخواهد و او اجابت نکند نفقه اش ساقط نمی گردد چون او بر این مبنا اقدام به ازدواج نموده است . اما اگر در زمان عقد جاهل باشد که زن کارمند است باید از او بخواهد که کارش را ترک کند ولی اگر اجابت نکرد نفقه ندارد (همان / ۳۹۵)

برخی معتقدند که کار بیرون از منزل زن برای مدتی از شبانه روز ، باعث سقوط بخشی از نفقه می گردد . دکتر علی شریفی با جانبداری از این نظریه می گوید " صرف نظر از دلایلی که علماء علم الاجتماع و فقها ، و محققین برای پایه و مبنای الزام انفاق متذکر شده اند از نظر عقلی منطقی و با توجه به وضعیت اجتماعی ، ایجاب می کند که مرد متکفل مخارج ضروری زن باشد مشروط بر اینکه ضمن قیام زن به وظایف زوجیت ، کاملاً خود را در اختیار مرد قرار دهد و شخصاً درآمدی نداشته باشد والا اگر زن در شبانه روز مدتی از اوقات زندگی زناشویی را که باید در بیرون از خانه به امور مربوط به خانه داری و پرورش اولاد بپردازد به اشتغال در موسسات خصوصی و دولتی به

منظور تحصیل حقوق و در آمد و عایدات صرف کند ، نه تنها نبایستی متوقع انفاق کامل از شوهر باشد، بلکه برای تامین خود و فرزندانش ، در صورت اقتضاء وضعیت همسر ، سهمی از نفقه و مخارج خانواده را عهده بگیرد .

(شریف ، نفقه و تمکین در حقوق خانواده / ۲۶)

پیرامون مطالب فوق باید گفت اولاً شرع مقدس اسلام ، زن را بدون هیچ قید و شرطی واجب النفقه دانسته و مبنای الزام زوج به نفقه عقد نکاح است و همچنین با توجه به مواد ۱۱۰۵ و ۱۱۱۷ ق.م. که ریاست خانواده را بر عهده مرد می داند و او می تواند زن خود را از اشتغال به شغل یا حرفه و یا صنعتی که منافع مصالح خانواده و حیثیت مرد و زن باشد ، منع کند. پس هرگاه با اشتغال زوجه موافقت نماید این به معنای سلب حق نفقه از زن نبوده و مطابق ماده ۱۱۱۸ ق.م. زن می تواند مستقلاً در دارائی خود ، هر تصرفی را که بخواهد بنماید و الزام به تخصیص این دارایی جهت هزینه های خانواده صحیح نمی باشد .

- نکته قابل توجه این است که طبق قانون و شرع ، تکلیف مرد به دادن نفقه موکول به تمکین زن می باشد . طبق ماده ۱۱۰۸ ق.م. زن ناشزه مستحق نفقه نیست . برای فهم بهتر معنای کلمه ناشزه کلمه تمکین را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم .

تمکین طبق نظر مشهور فقها : التمکین الکامل و هوالتخلیه بینها و بینه ، بحیث لا تخص موضعا و لا وقتاً" (المحقق الحلی ، شرایع الاسلام ج ۳۴۷/۲)

صاحب جواهر می فرماید: علی وجه یتحقق عدم نشوزها الذی لا خلاف فی اعتباره فی وجوب الانفاق بل الاجماع بقسمیه علیه (نجفی ، جوهر الکلام ج ۱۹۵/۷۷)
البته میان عدم تمکین و نشوز تفاوت است . عدم تمکین گاهی به علت موانعی است که در اینصورت ، مخالفت زوجه ، نشوز محسوب نمی شود .

بنابراین تمکین کامل که در مقابل نشوز قرار دارد ، باید آنچنان باشد که استمتاع در هر زمان و در هر مکان جایز باشد و همچنانکه صاحب جواهر فرمود، این تمکین باید بصورتی باشد که عدم نشوز زن بدون هیچ خلائی تحقق یابد .

قابل ذکر است که امتناع از وظایف زوجیت چه از جانب زوج و چه از جانب زوجه باشد نشوز نامیده می شود و ممتنع اگر مرد باشد ناشز و اگر زن باشد ناشزه نامیده می شود .
(جعفری لنگرودی ، حقوق خانواده / ۱۷۳)

سوال ، آیا اصل ، وجوب نفقه است و تحقق هیچ شرطی برای وجوب آن لازم نیست یا اینکه وجوب نفقه مشروط بر تحقق تمکین است؟
در پاسخ ، سه نظریه ابراز شده است ؟

۱. تمکین شرط استحقاق نفقه نمی باشد بلکه نشوز مانع آن است بنابراین به محض اینکه عقد نکاح بطور صحیح واقع شد ، زن مستحق دریافت نفقه و زوج مکلف به پرداخت آن می باشد.
گروهی از فقها و از جمله آیه الله حکیم و آیه الله خوئی نظر مشهور را در وجوب نفقه به مجرد عقد نکاح دانسته اند (خوئی ، منهج الصالحین / ۳۹۳)

از میان حقوقدانان هم دکتر حسن امامی نظر فوق را برگزیده و می گوید " حق نفقه برای زن در اثر زناشویی ، مادامی است که زن ناشزه نشود (امامی ، حقوق مدنی ج ۴/۴۵۶)
۲. مطلق عقد نکاح جهت وجوب نفقه کافی نیست و نفقه با تمکین واجب می شود دلائل آن عبارت است از :

الف، اصل ، براءت ذمه زوج می باشد مادام که بر اشتغال ذمه شخص مطمئن نیستیم .
(شرایع الاسلام ج ۲/۷۱۵)

با این توضیح که پس از وقوع عقد ، شک در اشتغال ذمه زوج بر نفقه می نمائیم و اصل عدم اشتغال ذمه را جاری می نمائیم ، مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد و خلاف آن هم با تمکین زوجه اثبات می گردد .

ثانیاً ، عوضین در نکاح عبارتند از مهریه و بضع و نه نفقه و بضع و در یک عقد نمی توان دو عوض در یک طرف قرار داد ، بنابراین به محض عقد نکاح ، مهریه بر ذمه مرد استقرار می یابد نه نفقه.

از جمله شهید ثانی در شرح لمعه ، محقق حلی در شرایع و امام خمینی (ره) همین این عقیده را برگزیده اند و معتقدند که زن بدون تمکین استحقاق نفقه ندارد. (کریمی ، موازین قضائی از دیدگاه امام خمینی ره /۱۴۱)

۳ ، اطاعت از زوج یعنی تمکین عام ، زن را مستحق نفقه می گرداند صاحب جواهر پس از بیان نظر مشهور و تشریح نظر فقها در این باره ، قول وسط را پذیرفته که زن به محض اطاعت از زوج مستحق نفقه می گردد بنابراین نه نشوز را مانع دانسته و نه تمکین را واجب (جواهر الکلام ج ۱۹۶/۱۱)

آثار عملی

در صورت اختلاف زوجین در حدوث تمکین ، اگر نفقه را به موازات عقد بر زوج واجب گردانیم این وظیفه زوج است که نشوز زوجه را اثبات نماید ، زیرا نفقه با عقد ثابت شده و نشوز را که مانع آن است باید ثابت گردانیم ، اما اگر تمکین را شرط وجوب نفقه بدانیم این وظیفه زن است که تحقق تمکین را از ناحیه خود اثبات نماید.

در حقوق موضوعه ، ماده ۱۱۰۲ ق.م ، وقوع عقد نکاح را موجب حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر دانسته و به این ترتیب زوج را به مجرد عقد نکاح ، ملزم به پرداخت نفقه زوجه نموده است از طرفی در ماده ۱۱۰۶ ق.م نفقه زن را در عقد دائم بطور مطلق بر عهده مرد قرار داده است و در ماده ۱۱۰۸ نیز صراحتاً نشوز را مانع حق نفقه دانسته و زنی را که بدون اذن شرعی از ادای وظایف زوجیت امتناع می نماید مستحق نفقه ندانسته است . همچنین طبق یکی از نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این که آیا بلافاصله بعد از نکاح ، زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب مرد را دارد؟ با استناد به ماده ۱۱۰۲ ق.م چنین نظر داده شده " همین که نکاح بطور صحیح واقع شد ، خودبخود تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار شده و به محض وقوع نکاح ، هم مرد حق دارد تمکین زوجه را بخواهد و هم زن حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشت.

(شهری ، جهرمی ، ستوده ، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه های کیفری از سال ۷۲ تا پایان سال ۷۳ ص ۳۱۵ ش ۱۳/۲/۶۲۱۷۳/۷)

در عمل هم ، محاکم ، زوجه را قبل از تمکین و به محض عقد ، مستحق نفقه می دانند و در صورت اقامه دعوی کیفری علیه مرد ، نسبت به ترک انفاق ، تارک را به مجازات مندرج در قانون محکوم می نمایند . البته باید دانست که امتناع زن از اداء وظایف زوجیت ، در صورتی موجب نشوز است که زن عذر موجه نداشته باشد ، پس اگر زن بخاطر خوف بدنی یا مالی یا شرافتی ، از سکونت در منزل شوهر امتناع نماید ، مانع حق نفقه نیست ، ماده ۱۱۱۵ ق.م.هم به آن اشاره دارد ، همچنین اگر زن از حق حبس استفاده کند و تمکین شوهر را منوط به گرفتن تمام مهر خود نماید ، این هم مانع نفقه نیست .

نکته قابل ذکر این است که ، در زمانی که زن ، از حق حبس استفاده می کند ، نمیتواند بواسطه نپرداختن نفقه از مرد شکایت کیفری نماید و فقط بواسطه حق خود می تواند اقدامات حقوقی را پیگیری نماید (رای شماره ۶۳۳ مورخ ۷۸/۲/۱۴ وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور)

اگر چه طبق ماده ۱۰۸۵ ق.م.مادام که مهریه تسلیم زوجه نشده در صورت حال بودن مهر، زن می تواند از ایفا وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع نماید و همانطور که گفته شد ، این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود .

در تأیید این نظر می توان به رای وحدت رویه دیوان عالی کشور اشاره نمود . " با وصف امتناع زوجه از تمکین ولو به اعتذار ، استفاده از اختیار حاصله از مقررات ماده ۱۰۸۵ ق.م.حکم به مجازات شوهر نخواهد شد و در این صورت حکم شعبه دوم دادگاه عمومی تهران مشعر بر برائت شوهر از اتهام ترک انفاق که با این نظر مطابقت دارد ، با اکثریت قریب به اتفاق آراء ، صحیح و قانونی تشخیص داده می شود . این رای وفق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مرداد ۱۳۷۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد . (رای ش ۶۳۳-۷۸/۲/۱۴ رای وحدت رویه دیوان عالی کشور)

نکته دیگر اینکه ، نفقه ، قابل تجدید نظر خواهی نیست و این مطلب در رای وحدت رویه دیوان عالی کشور به صراحت بیان شده است ، " بند ۳ ماده ۹ قانون تجدید نظر آراء دادگاهها که از تاریخ ۷۲/۶/۲۷ لازم الاجراء گردیده ، آراء تجدید نظر دادگاه مدنی خاص را احصاء و ذکر از نفقه و حضانت و تمکین و .. ننموده است و چون طبق ماده ۱۸ قانون مزبور ، کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن قانون لغو گردیده ، لذا آراء صادره ، نسبت به دعاوی مذکور قابل تجدید نظر نبوده و رای شعبه ۳۰ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد ، صحیح تشخیص داده می شود . این رای در موارد مشابه لازم الاتباع است . (رای ش ۵۹۳ - ۷۹/۹/۱ رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور)

ضمانت اجرای نفقه

الف ، ضمانت اجرای مدنی

ماده ۱۱۱۱ ق.م ، به زن این حق را داده که در صورت خودداری شوهر از پرداخت نفقه به دادگاه صالح یعنی دادگاه خانواده محل اقامت خود مراجعه کند ، که این کار با روال معمول حقوقی جامعه ، از طریق اظهار نامه و همچنین هر چیز دیگری که نشان دهنده درخواست تمکین زن و عدم اجابت مرد باشد ، صورت می گیرد . و در اینصورت دادگاه هم با بررسی شکایت و حصول شرایط ، میزان نفقه زن را معین نموده و شوهر را به پرداخت آن محکوم می نماید و در صورت عدم اجرای حکم از جانب شوهر ، در مرحله بعد دادگاه از اموال شوهر ، نفقه زن را پرداخت می نماید و اگر امکان دسترسی به اموال او وجود نداشته باشد یا اموالی نداشته باشد ، در این صورت ، زن حق طلاق دارد . که مواد ۱۱۱۲ و قانون ۱۱۲۹ ق.م و همچنین بند ۲ ماده ۸ قانون حمایت خانواده به این موضوع اشاره دارد.

ضمانت کیفری :

ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی ، مقرر داشته که هر کس ، با داشتن استطاعت مالی ، نفقه زن خود را ، در صورت تمکین ، ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع نماید ، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا ۵ ماه حبس محکوم می نماید .

ماهیت نفقه زن

مرد برای تامین معاش زن ، اموال گوناگونی را در اختیار او می گذارد ، مسکن شایسته فراهم می سازد ، فرش و اثاث منزل می خرد ، و آذوقه سالیانه تهیه می کند ، برای خرید پاره ای خوراکیها به او پول می دهد ، برایش زیور آلات و لباس می خرد و مانند اینها ، اکنون باید دید حقی که زن بر اینگونه اشیاء پیدا می کند چه ماهیتی دارد ؟ آیا زن مالک آنهاست و می تواند هر تصرفی که می خواهد در اجزاء نفقه بنماید ، یا فقط اذن در انتفاع دارد و بعنوان امین از طرف شوهر باید آنها را نگهداری و اداره نماید ؟ در پاسخ گفته می شود ، اموال بر دو قسم می باشد . الف ، مصرف شدنی که قابلیت بقاء را در برابر استفاده شدن ندارند ، در این قسم باید مالکیت زن را پذیرفت ، زیرا درباره اینها حق انتفاع از مالکیت جدا نشدنی نیست و ظاهر اینست که شوهر ، آنها را به او تملیک نموده است . ب ، قسم دوم اموالی که با انتفاع هم باقی می ماند .

در این مورد تمییز اداره شوهر و تعیین حق زن ، عرف می باشد . مثلاً خانه و اثاث منزل را مرد به زن نمی بخشد و فقط به او اذن در انتفاع می دهد . به همین دلیل می تواند از این اذن رجوع و خانه دیگری را بابت نفقه در اختیار زن قرار دهد و بر عکس لباس و زیوری که مرد برای زن می خرد بظاهر به او می بخشد ، و زن مالک آنهاست ، با وجود این ، چون در مقام اجرای تکلیف قانون خویش ، این اموال را تملیک می کند . نباید او را نسبت به چگونگی تصرف در آنها بیگانه شمرد .

تعلق کاخ شکوهمند حیات به زن و مرد

از دیدگاه اسلام و قرآن از لحاظ حق العمل، هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. مرد چه دارا باشد و چه نادر هیچ حقی در اموال زن ندارد. قرآن کریم صراحتاً "می فرماید ((للرجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن)) (نساء / ۳۲) همانطوریکه زن در اموال مرد نصیبی نیست و مرد بر اموال و ما یملک خود سلطه کامل دارد، زن نیز مالک دارائیهای خود می باشد. (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام / ۲۵۶) از این رو در حقوق اسلامی زن همچون موجودی مستقل، امکان این را دارد که در تمامی زمینه های زندگی حتی در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به ایفای نقش مستقل دست زند.

حق مالکیت زن

یکی از مسلمات دین اسلام این است که مرد حقی به مال و کار زن ندارد. نه، می تواند به او فرمان دهد که برای من فلان کار را بکن و اگر، زن کاری کرد که به موجب آن کار، ثروتی به او تعلق می گیرد مرد، حق ندارد بدون رضایت زن در آن تصرف نماید، و از این جهت مرد و زن وضع مساوی دارند. (همان / ۲۴۲ و ۲۴۳)

ممکن است در سنتها و فرهنگ های موجود در روابط زن و مرد در جامعه کنونی اسلامی اشکالاتی وجود داشته باشد و حقوق زنان ضایع گردد، ولی این کاستی ها ربطی به حقوق زن در قرآن و اسلام ندارد و هر مسلمانی باید خود، پاسخگوی رفتار و کردار خود باشد. و رعایت مسئولیت خود را در برابر عدل و انصافی که دین بر عهده او گذاشته بنماید. اگر مسلمانان در انجام وظایف دینی خود کوتاهی کردند و باورها و سنت های غلط خود را به نام دین به کار بستند، ربطی به دین و اسلام ندارد، چرا که به قول شاعر، اسلام بذات خود ندارد عیب، هر چه هست عیب، از مسلمانی ماست.

برخی موضوع نفقه را بد تفسیر کرده و از آن نوعی جیره خواری و مزدوری زن را تصور نموده اند. شهید مطهری در این باره می گوید " اگر کسی بگوید نفقه زن در غرب تا قرن نوزدهم چیزی جز جیره خواری و نشانه بردگی زن نبوده است راست گفته است: زیرا وقتی که زن موظف باشد که مجاناً امور داخلی مرد را اداره کند و حق مالکیت نداشته باشد، نفقه ای که به او داده می شود از نوع جیره ای است که به اسیر یا علوفه ای است که به حیوانات بارکش می دهند، اما اگر قانون به خصوصی در جهان پیدا شود که اداره داخله زندگی مرد را به عنوان یک وظیفه لازم از دوش زن بردارد و به او حق تحصیل و ثروت و استقلال کامل اقتصادی بدهد، در عین حال او را از شرکت در بودجه خانوادگی معاف گرداند، ناچار فلسفه دیگری در نظر گرفته و باید در اطراف آن فلسفه تامل نمود. (همان / ۲۵۳)

استقلال مالکیت زن

قرآن همانطور که مردان را در نتایج کار و تلاششان دارای حق می داند زنان را نیز در نتیجه کار و فعالیتشان ذی حق می شمارد. همانطور که در آیه ۳۲ سوره نساء ذکر شد. عرب جاهلیت زن را

از هرگونه ارثی محروم کرده بود اما قرآن کریم برخلاف شیوه معمول به صراحت ، زن را نیز مانند مرد وارث شناخت همانطور در آیه دیگر قرآن می فرماید (للرجال نصیب مما ترک الوالدان و الاقربون و للنساء نصیب مما ترک اللوالدان و الاقربون) (نساء / ۷۷) مردان را از مالی که پدر و مادر یا خویشاوندان بعد از مردن خود باقی می گذارند ، بهره ای است و زنان را هم آنچه پدر و مادر و خویشان از خود باقی می گذارند بهره ای است .

حضور زن در عرصه های اجتماعی و اقتصادی

چه حکمتی داشته که اسلام جانب زن را در مسائل مالی رعایت کرده و مرد را خدمتکار بی مزد و اجرت ، برای زن و خانواده در آورده است ؟ شکی نیست که اسلام بنا ندارد به نفع زن و علیه مرد و بالعکس عمل کند ، بلکه مطابق طبیعت و قانون آفرینش ، سعادت مرد و زن و فرزندان آنها را که باید در دامن زن پرورش یابند در نظر گرفته است . (مطهری ، نظان حقوق زن در اسلام ، / ۲۶۳ و ۲۶۴)

این قانون آفرینش و جریان طبیعی میان همه جانداران است که بدست توانا و تدبیر حکیمانه آفرینش انجام گرفته است ، اگر سهم زن و مرد را در زندگی مورد توجه قرار دهیم ، در خواهیم یافت که سهم زن در شکل گیری نهاد خانواده و تلاش او برای تدبیر درونی آن بیش از مرد است . مرد ، دریافته که هر اندازه موجبات آسایش و فراغت خاطر زن را فراهم کند ، بطور غیر مستقیم به سعادت خود خدمت نموده است و کانون خانواده را رونق بخشیده است . شکی نیست که با القاء نفقه ، خسارات روحی و معنوی و عاطفی بسیاری بر نهاد خانواده وارد می شود و به قول شهید مطهری " ای کاش افرادی که تیشه برداشته و کورکورانه بنیان استوار کانون مقدس خانوادگی ما را که بر اساس قوانین مقدس آسمانی بنا شده ، خراب می کنند ، می توانستند به عواقب کار بیاندیشند و شعاع دورتری را ببینند (همان / ۲۶۹ و ۲۷۰)

نفقه زن پس از انحلال نکاح

اصل الزام مرد به پرداخت نفقه به زن تا زمانی است که بتوان او را شوهر و سرپرست خانواده نامید و پس از انحلال نکاح ، زندگی مشترک زن و مرد از بین می رود ، و شوهر تکلیفی در پرداخت نفقه ندارد . حال گاهی انفساخ نکاح در زندگی زوجین با طلاق می باشد ، یا با غیر طلاق به اینکه عقد فاسد باشد ، گاهی بواسطه فوت شوهر می باشد . زن در زمان عقد عده ، گاهی کل نفقه و گاهی برخی از آن را مستحق می گردد که برخی صور ممکن را بررسی و حکم هر کدام را بیان می

نماییم نفقه طلاق رجعی

بدون اختلاف و بطور اجماع ، نفقه زن در طلاق رجعی ، واجب است ، زیرا طلاق رجعی پیوند زناشویی را از بین نمی برد و حلالیت بین زن و شوهر را زایل نمی گرداند پس زن در مدت عده رجعی حکم همسر را دارد و تمامی حقوقی که زنان غیر مطلقه دارند او نیز دارا می باشد .

۱ - حامله بودن زن در طلاق بائن

باتفاق تمامی فقها فرقه های اسلامی ، نفقه زن در طلاق بائن ، در صورت حامله بودن زن واجب است اما از نظر مالکیه ، اگر زن حامله باشد تمامی انواع نفقه به او تعلق می گیرد و خروجش از منزل ، عده طلاق باعث سقوط نفقه نمی شود ، زیرا نفقه مال حمل است نه زن حامله .
بر مبنای نظر شافعیه ، امامیه و حنابله ، اگر زن حامله باشد نفقه دارد .
(مغنیه ، الفقه علی المذاهب الخمسه / ۳۸۵)

۲ - نفقه طلاق در حال حائل بودن زن

درباره نفقه زن ، در طلاق بائن در حالی که باردار نباشد ، بین فرقه های اسلامی اختلاف است .
حنفیه معتقدند زن نفقه دارد به شرط اینکه از خانه ای که طلاق در آن واقع شده بیرون نرود ، تا عده تمام گردد .
مالکیه معتقدند ، اگر زن حامله نباشد فقط حق مسکن دارد .

شافعیه ، حنابله و امامیه معتقدند ، اگر زن حامله نباشد نفقه ندارد . (همان / ۳۸۵)

۳ - نفقه عده وفات

فقها ، اسلام اتفاق دارند ، بر اینکه زن استحقاق گرفتن نفقه در عده وفات را ندارد . ولی از جهاتی اختلاف نظر است .

شافعیه و مالکیه معتقد است که زن ، فقط حق مسکن دارد .

شافعیه می گوید ، اگر زن در حال حمل از مرد جدا گردد ، و مرد بمیرد نفقه اش قطع نمی شود . حنفیه ، عقیده دارد ، اگر عده رجعی باشد و مرد بمیرد عده اش تبدیل به عده وفات می گردد ، نفقه اش ساقط می گردد . (همان / ۳۸۴ و ۳۸۵)

در قانون مدنی از نفقه زن حامله ، در عده وفات ، چیزی گفته نشده است ، آیا می توان از راه قیاس ادعا کرد که زن حامله ، در عده وفات هم مثل عده طلاق بائن ، نفقه دارد ؟
پاسخ منفی است ، زیرا تکلیف مربوط به انفاق زن ، ویژه شوهر است و بعد از فوت شوهر ، دارایی او به بازماندگانش رسیده یعنی افرادی که هیچ وظیفه ای در پرداختن نفقه و هزینه زن مورث خود ندارند.

همچنین در ماده ۱۱۱۰ ق.م آمده که در عده وفات زن نفقه ندارد و این قاعده به هیچ استثنائی بر نخورده است . (کاتوزیان ج ۱ / ۱۹۷)

امتیازات نفقه زن

۱ - تکلیف مربوط به انفاق خویشان متقابل است یعنی همانطوری که پدر و مادر ملزم به پرداخت نفقه فرزند فقیر خود هستند ، فرزند هم همین تکلیف را دارد ولی در روابط زن و شوهر تکلیف انفاق ویژه مرد است و زن هیچ وظیفه ای در تامین معاش شوهر و خانواده ندارد .

۲ - انفاق به خویشان در صورتی واجب است ، که انفاق کننده علاوه بر خرجی خود تمکن مالی پرداخت آن را داشته باشد . و گیرنده نفقه هم ، نیازمند باشد ، ولی تکلیف مرد نسبت به نفقه زن منوط به هیچ چیز نیست .

۳ - نفقه زن مانند سایر دیون بر عهده شوهر است . و زوجه حق دارد ، نفقه گذشته خود را مطالبه نماید ولی مطالبه نفقه خویشان ، همیشه ناظر به آینده است و از بابت گذشته نمی توان پولی دریافت نمود . (ماده ۱۲۰۶)

۴ - نفقه زن بر نفقه اقارب مقدم است (ماده ۱۲۰۳) و همچنین در حال ورشکستگی و اعسار مرد نیز جزء ، دیون ممتاز است (ماده ۱۲۰۶) و نیز تبصره ۲ از ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده نفقه زوجه و اولاد را بر سایر دیون مقدم داشته است .

نتیجه گیری :

در اسلام زن استقلال مالی دارد و مرد ملزم به حمایت مالی او از طریق انفاق گردیده است و اثر این حمایت مالی به خود فرد و خانواده اش و جامعه ، بر می گردد ، زیرا با تامین مالی زن و توجه به خواسته های مشروع او ، در حد توان همسر ، باعث بقاء نشاط و طراوت و شادابی زن خواهد شد ، و در نتیجه محیطی شاد و با صفا و صمیمیت در خانواده به وجود خواهد آمد ، که نتیجه آن پرورش فرزندان سالم و مستعد و با روحیه بالا و توانمند در خانواده خواهد شد . و به خاطر تاثیر زیاد خانواده بر جامعه ، در نهایت باعث رشد و شکوفایی و پیشرفت و سلامت جامعه خواهد شد و بالاخره اینکه وظیفه تامین معیشت زن توسط مرد بر گرفته از ساختار تکوینی و فطری زن و مرد در اصل خلقت می باشد ، و امر عارضی و تبعی و محیطی و عصری نیست که در شرایط مختلف تغییر نماید

منابع :

- ۱ - قران کریم .
- ۲ - علامه حلی ، حسن بن یوسف ، تحریر الاحکام
- ۳ - ابن الحسین احمد بن فارس بن ذکریا ، معجم مقاییس اللغه ج ۵
- ۴ - صفی پور ، عبدالرحیم بن عبدالکریم ، منتهی الارب فی لغه العرب ج ۳- ۴
- ۵ - محقق داماد ، دکتر سید مصطفی ، بررسی فقهی حقوق خانواده
- ۶ - قاسم زاده ، سید مرتضی ، ره پیک ، دکتر حسن ، کیانی ، دکتر عبدالله ،

تفسیر قانون مدنی

- ۷ - کاتوزیان ، دکتر ناصر ، حقوق مدنی خانواده جلد ۱
- ۸ - کاتوزیان ، دکتر ناصر ، حقوق مدنی خانواده جلد ۲
- ۹ - ترسلی ، حسن توضیح المشکلات شرح لمعه جلد ۲
- ۱۰ - مسجد سرائی ، حمید ، کاملترین ترجمه نموداری شرح لمعه جلد ۶
- ۱۱ - زراعت ، عباس ، مسجد سرائی ، حمید ، متون فقه ۲
- ۱۲ - قارویی تبریزی ، شیخ حسن ، النضید فی شرح روضه الشهدید جلد ۲۰ و ۲۱

- ۱۳- کلانتر ، سید محمد ، تصحیح و تعلیق الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه
جلد ۵
- ۱۴- مطهری ، مرتضی ، نظام حقوق زن در اسلام
- ۱۵- میرزایی ، علیرضا ، قانون مدنی
- ۱۶- نجفی ، شیخ محمد حسن ، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام ج ۱۱
- ۱۷- طرابلسی ، شیخ محمد ، الفتاوی کامله
- ۱۸- المحقق الحلی ، جعفر بن حسن ، شرایع الاسلام ترجمه فارسی جلد ۲
- ۱۹- علامه حلی ، علی بن مطهر ، قواعد الاحکام فی المسائل الحلال و الحرام
- ۲۰- جبعی عاملی ، زین الدین ، الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه جلد ۲
- ۲۱- جبعی عاملی ، زین الدین ، المسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام جلد ۱
- ۲۲- حکیم ، سید محمد سعید ، منهاج الصالحین
- ۲۳- الجزیری ، عبدالرحمان ، الفقه علی المذاهب الاربعه ، دار الكتاب العلیه ۱۹۹۰
- ۲۴- المغنیه ، محمد جواد ، الفقه علی المذاهب الخمسه
- ۲۵- فرهنگ خواه ، محمد رسول ، دایره المعارف اسلامی - نکاح
- ۲۶- خوئی ، آیه الله العظمی ، سید ابوالقاسم ، منهاج الصالحین
- ۲۷- گلپایگانی ، آیه الله العظمی ، رساله توضیح المسائل
- ۲۸- فرشتیان ، حسن ، نفقه زوجه در حقوق ایران
- ۲۹- محقق قمی ، میرزا ابوالقاسم ، جامع الشتات ج ۱۱
- ۳۰- موسوی خمینی (ره) ، آیه الله العظمی ، تحریر الوسیله
- ۳۱- شریف ، دکتر علی ، نفقه و تمکین در حقوق خانواده
- ۳۲- جابری عربلو ، محسن ، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی
- ۳۳- جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، حقوق خانواده
- ۳۴- کریمی ، حسین ، موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه
- ۳۵- شهری ، غلامرضا جهرمی ، ستوده ، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری از سال ۷۲ تا پایان سال ۷۳
- ۳۶- ابن المنظور الافریقی المصری ، علامه ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرّم ،
- ۳۷- لسان الارب .